



بلخاری: سنت‌گرایانی که از سمت هنر به اسلام نزدیک شدند، مسلمان شده‌اند

حسن بلخاری گفت: هنر اسلامی چنان بطن‌هایی دارد که دقیق‌ترین جلوه جهان‌شناختی‌اش، این دین است. جالب است که سنت‌گرایانی که از سمت هنر به اسلام نزدیک شدند، مسلمان شده‌اند.

حسن بلخاری گفت: هنر اسلامی چنان بطن‌هایی دارد که دقیق‌ترین جلوه جهان‌شناختی‌اش، این دین است. جالب است که سنت‌گرایانی که از سمت هنر به اسلام نزدیک شدند، مسلمان شده‌اند.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست نقد و بررسی کتاب‌های «171؛ محمد (ص) بر پایه کهن‌ترین منابع»؛ نوشته مارتین لینگز با ترجمه سعید تهرانی‌نسب و کتاب «171؛ اقتدا به محمد (ص)»؛ نوشته کارل ارنست با ترجمه قاسم کاکایی دیشب سه‌شنبه 9 آبان با حضور مترجمان این آثار، حسن بلخاری، عبدالله نصری و علی اصغر محمدخانی در موسسه فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.

بلخاری در این نشست گفت: آقای کاکایی از جمله روحانیون باسواد کشورمان است که در دانشگاه تدریس می‌کند و کتب خوبی را طی 20 سال گذشته ترجمه و تالیف کرده است. اما این جلسه، جلسه نقد کتاب نیست بلکه بیشتر نشست گفتگو است. وقتی متن کتاب «171؛ اقتدا به محمد» و «171؛ محمد (ص)» بر پایه کهن‌ترین منابع؛ را دیدم، تصمیم گرفتم شمشیر نقد را از نیام بریکشم و بر چهره این دو کتاب بزنم اما فضا، فضای گفتگوست. ضمن این که از ارزش این دو کتاب نمی‌کاهیم ولی باید بگویم که به شدت قابل نقد هستند.

وی افزود: همچنان معتقدم که با نگاه‌های برشی و مقطعی قطعاً نمی‌توان چهره پاک و دقیق اسلام را به جهان امروز ارائه داد. باز هم اعلام می‌کنم که این حرف‌ها به معنی نادیده گرفتن ارزش‌های این کتاب‌ها نیست. این که کارل ارنست در آمریکا این کارها را انجام می‌دهد، خیلی ارزشمند است اما او نگاه گذرای به تصوف دارد و نگاه فوق‌العاده‌گذاری هم به هنر دارد که از کتابش، یک کتاب بسیار کلی ساخته است. مارتین لینگز هم از سنت‌گرایان است که این گروه نوعی مخالفت با مدرنیته و اعتقاد به بازگشت به زندگی ارزش‌های سنتی در آثارشان دارند.

اسلام مانند نظام کمونیستی نیست که به زور سیاست پابرجا بماند

این پژوهشگر در ادامه گفت: مارتین لینگز کتاب بسیار خوبی درباره هنر تذهیب قرآنی دارد اما کاری که در این کتاب صورت داده، باعث شده تا مترجم گاهی با پاورقی‌های بلند خطاهای مولف را جبران کند. قرن 21 قرن تخالف اسلام و غرب خواهد بود. حتی اگر اسلام هم این را نخواهد و خودش را آماده نکند، غربی‌ها لشگرکشی می‌کنند و کرده‌اند. اسلام کمونیسم نیست که 50 سال با ضرب و دنگ سیاست نگه داشته شود و بعد به موزه بپیوندد. اسلام یک فرهنگ و ایده است. بنابراین غربی‌ها دائماً بر طبل جنگ خواهند کوبید. به همین دلیل معتقدم باید به گونه دیگری به مساله نگاه کنیم.

بلخاری گفت: نمی‌دانم چند نفر از حاضران کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی را خوانده‌اند اما این کتاب از نظر سبک خوب و از نظر معنا و محتوا، فوق‌العاده موهن است. سبک نگارش این رمان، رئالیسم جادویی است که از شیوه‌های موثر و مهم رمان‌نویسی است. مبنای داستان کتاب هم روایات محمد طبری است. من هنوز کاریکاتورهایی که در دانمارک در توهین به نبی اکرم (ص) کشیده شد، دارم. ذیل هر کدام از این کاریکاتورها جملاتی از سیره ابن هشام وجود دارد و برخی از روایات اهل سنت. متأسفانه در میان کتب و روایات اسلامی و اهل سنت، برخی از مسلمین قربه الی الله، مطالب عجیب و غریب و نامربوطی به اسلام بسته‌اند که پایین کاریکاتورهای موهن هم درج شده‌اند.

این محقق ادامه داد: هنوز کسی برای مقابله با این جملات و عبارات غلط کاری نکرده است. نفس اسلام و تاریخش پاک و مبری هستند اما تاریخی که از یک تمدن نقل می‌شود الزاماً تصویر صحیح آن تمدن نیست. مورخان گاهی جانی‌ترین، خائن‌ترین یا جاهل‌ترین انسان‌ها بوده‌اند. حضرت محمد (ص) مطلقاً مبری است از صفاتی که بعضی از مسلمان‌ها به او نسبت می‌دهند. کتاب مارتین لینگز فصلی دارد با عنوان «171؛ چه کسی را بیشتر دوست داری؟» و خطابش هم پیامبر است. اصلاً بحث شیعه و سنی را ندارم یا حرم، حرف عایشه و فاطمه (س) نیست اما در این فصل بارها نام عایشه تکرار شده است. خب غرب مطلقاً با ازدواج دختر 9 ساله کنار نمی‌آید و مطالب این فصل کتاب متأسفانه ادامه دهنده همان القابی است که قرون وسطای نامرد به حضرت محمد (ص) چسباند.

وی افزود: وقتی خودم را جای غربی‌ها می‌گذارم، متوجه می‌شوم همه این نگاه‌ها از سر غرض نیست. گاهی هم سوء تفاهم می‌شود و

عقیده‌ای به اشتباه جا می‌افتد. مشکل ما مسلمانان این است که تاریخ نگری نداریم. شیعه که اصلاً هیچ و اگر خیلی هم بخواهد افتخار کند، تنها کتاب #171;فروغ ابدیت؛ آیت‌الله سبحانی را دارد که بیش از 30 سال از چاپش نمی‌گذرد. ما یا تاریخ نداشتیم، یا مورخ نداشتیم و یا تاریخمان مسموم بوده است. اسلام حقیقی در این قرن پرکشش، نمی‌گویم توسط انسان با اعتقاد اما باید توسط انسان اولاً عالم، دوماً صادق تبلیغ شود. صداقت هم شرط کافی این کار نیست. گاهی بزرگ‌ترین ضربه‌ها را از صادق‌های جاهل خورده‌ایم.

بلخاری همچنین گفت: برای این که اسلام در تخالف و تضاربش با غرب، سربلند بیرون بیاید نیازمند ترجمه معکوس هستیم. کار آقای کاکایی بسیار ارزشمند است. بگذارید در ایران این تفکر جا بیافتد تا ایرانیان متعصب فکر نکنند غرب فقط به فکر دشمنی است و متفکر دلسوز ندارد. بگذارید بدانیم در غرب کسانی هستند که دغدغه اسلام دارند. اما این اسلام‌شناسی نیست. این دلسوزان و محققان که دو کتاب از آن‌ها را امروز در دست داریم، اسلام‌شناس نیستند و کارشان هم اسلام‌شناسی نیست. آن میزان که آقای کاکایی تصوف را می‌شناسد، کارل ارنست این موضوع را نمی‌شناسد. تصوف قصه‌ها دارد که البته نام درست‌ترش عرفان است و هنر اسلامی چنان بطن‌هایی دارد که دقیق‌ترین جلوه جهان‌شناختی‌اش، این دین است. جالب است که سنت‌گرایی که از سمت هنر به اسلام نزدیک شدند، مسلمان شده‌اند. من کار پروفیسور سید حسین نصر را در این زمینه بسیار قوی می‌دانم. البته ایشان از قبل مسلمان بوده و از دل این دین برآمده است. این انسان از ابتدا جنس خوبی داشته است.

این نویسنده ادامه داد: من معتقد به ترجمه معکوس هستم، اگر هدف اسلام‌شناسی است. شریعتی را جدی بگیرید. متأسفانه مسایل سیاسی در کشورمان، موجب خانه‌نشینی فاضلان بوده و هست و سبب شده مردم با زبان آن‌ها آشنا نباشند. من در کنار شریعتی، مطهری را قرار می‌دهم. من این‌ها و قبل از این‌ها مولانا را دارم. این‌ها برآمده در مزرعه دین هستند و همین‌ها هستند که ممبران صادق اسلام هستند. این افراد هستند که می‌توانند اسلام را ارائه بدهند ولی دو کتابی که پیش رو داریم، می‌دانید چه قدر نقد بردارند؟ این دو کتاب روایت‌های مخدوش زیادی دارند.

بلخاری در پایان سخنانش گفت: بسیاری از مواد اسلام‌ستیزانه را نه از طریق بن لادن که از طریق خیلی از مطالب موجود در همین کتاب‌ها در اختیار دیگران قرار داده‌ایم.